

منازل چهارده گانه مصائب امام حسین (ع)

سیزدهم: منزل او که بر در خانه یزید آویزان نمودند و هند زوجه یزید متحمل این اهانت نشد و با سر برهنه بیرون آمد و فریاد کرد: ای یزید این سر پسر فاطمه (س) است که بر در خانه من آویخته‌ای؟ که یزید برخاست و او را پوشانید و به حرم خود برگردانید.

چهاردهم: منزلش بر دروازه شام که آن را بر آن جا آویخته بودند و این اهانت آن قدر بزرگ بود که حضرت سجاد(ع) متحمل آن نگردید و فریاد زد: ای یزید! حیا نمی‌کنی که سر فرزند فاطمه را بر بلد تو آویخته‌اند و حال آن که او ودیعه و فرستاده پیغمبر (ص) است!

برگرفته از کتاب

« حوادث کربلا از دیدگاه چهارده معصوم »

نوشته: حشمت الهه رضان پور

- ۱- بحار الانوار جلد ۳۴ ص ۳۸۳
- ۲- بحار الانوار جلد ۴۴ ص ۴۳۴
- ۳ و ۴ و ۵ و ۶- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۰۷
- ۷- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۲۵
- ۸- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۱۶
- ۹ و ۱۰- مناقب جلد ۳ ص ۲۱۸
- ۱۱- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۸۶
- ۱۲- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۷۶
- ۱۳- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۴۲ و ۱۴۳
- ۱۴- بحار الانوار جلد ۴۵ ص ۱۳۶

ششم: مکانی بود که در علم الهی و در عالم بالا از برایش اختیار شده، و ظاهر آن باقی ماند تا سه یا چهار روز و بعد در بطن آن زمین قرار گرفت که قبر معظم آن جناب شده است.

هفتم: منزل سر مبارکش بود شب یازدهم محرم در خانه خولی (خولی کسی بود که سر امام حسین علیه السلام را در خانه خود و در تنور نکه داری می‌کرد و از دشمنان سر سخت امام واز یاران ابن سعد و ابن زیاد لعین بود و در تنور روی خاکستر، چنان که مشهور است نوری در تنور هویدا شد.

هشتم: منزل آن سر، در مجلس ابن زیاد در میان طبق پیش روی آن لعین و او اظهار خوشحالی می‌نمود و تبسم می‌کرد؟!

نهم: منزل سر آن بزرگوار بود در کوفه بالای درخت

دهم: منزلش مابین کوفه و شام و گاهی بالای نیزه و گاهی در میان صندوق که در هر شهر و دیار و بلد از آن سر منور علامتی بود.

یازدهم: منزلش در دیر راهب و در این منزل بود که او را اکرام نمودند و با مشک و کافور او را مطیب کردند و تحیت و سلام گفتند و جواب شنیدند.

دوازدهم: منزلش در شام در مجلس یزید پلید در میان طشت طلا که در پیش روی او گذاشته بودند و همه مصیبت‌ها بر آن جناب در این مجلس جمع بود.

منازل چهارده گانه، محل‌هایی بود که اولاً امام(ع) در آن جا زندگی می‌کردند و نیز جاهایی بود که سر مبارکش را در آن جا قرار می‌دادند و یا سر مبارکش را بر روی درخت و یا سردر منازل آویزان می‌کردند و آن محل‌ها عبارت بودند از:

اول: منزل اصلی که مدینه منوره بود و او را مجبور به ترک وطن نمودند که حضرت شکایت به خداوند نمود و عرض کرد: «خدا یا! ما عترت پیغمبر تو هستیم که ما را از وطن بیرون کردند»

دوم: منزلش در مکه معظمه بود که این حرم امن و امان، مقام خوف آن جناب گردید که خواستند او را در آن جا به قتل برسانند، پس از آن جا کوچ کرد که حرم امن پرودگار شکسته نشود.

سوم: ما بین مکه و کوفه که در هر محلی می‌رسید او را از رفتن به کوفه منع می‌کردند و از یاری او نیز امتناع می‌کردند.

چهارم: در کربلا بود که در آن نازل شد به قصد اقامت و فرمود: بارها را فرود آورید که دیگر از این جا کوچ نخواهیم کرد.

پنجم: در مرکز میدان بود که هر وقت از قتال خسته می‌شد در آن جا می‌ایستاد و می‌فرمود:

لاحول و لا قوة الا بالله